

Journal iranian political sociology

Vol. ۵, No. ۹, Azar ۲۰۲۲

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.326682.3018>

Approaches and capacities of international law in the realization of the principle of the rule of law

Abstract:

The principle of the rule of law, as one of the modern concepts of international law, is one of the requirements of the international community. Some thinkers, with some ambiguities about it, believe that international law, unlike domestic law, lacks the necessary features to establish this principle. In order to establish the principle of the rule of law in international law, characteristics such as the existence of binding rules, accountability, participation, transparency of rules, guarantee of human rights, etc. are necessary. The present article examines the approaches and capacities of international law in the realization of the rule of law by descriptive-analytical method. Therefore, one of the most important findings of the study is that the rule of law in international law is inextricably linked to human rights and international peace and security, and international support for human rights and the establishment of institutions such as the Security Council And the fight against impunity through the establishment of international criminal authorities indicates the establishment of the principle of the rule of law in international law.

Keywords: International Law, Rule of Law, Capacities, Approaches, United Nations

رویکردها و ظرفیت های حقوق بین الملل در تحقق اصل حاکمیت قانون

سجاد جعفری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

مسعود راعی دهقی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۳

چکیده

اصل حاکمیت قانون به عنوان یکی از مفاهیم مدرن حقوق بین الملل، از الزامات جامعه بین المللی محسوب می شود. برخی از اندیشمندان با طرح ابهاماتی در مورد آن، معتقدند حقوق بین الملل برخلاف حقوق داخلی، فاقد ویژگی های لازم برای استقرار این اصل می باشد. برای استقرار اصل حاکمیت قانون در حقوق بین الملل شاخصه هایی از قبیل وجود قواعد الزام آور، پاسخگویی، مشارکت، شفافیت قواعد، تضمین حقوق بشر و... لازم است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی رویکردها و ظرفیت های حقوق بین الملل در تحقق اصل حاکمیت قانون می پردازد. لذا از مهمترین یافته های تحقیق آن است که حاکمیت قانون در حقوق بین الملل با حقوق بشر و صلح و امنیت بین المللی، پیوندی ناگسستنی دارد و حمایت بین المللی از حقوق بشر و ایجاد نهادهایی مانند شورای امنیت با هدف نظارت بر صلح و امنیت بین المللی، ایجاد نهادهای تجاری بین المللی و مبارزه با بی کفتری از طریق ایجاد مراجع کیفری بین المللی حاکی از استقرار اصل حاکمیت قانون در حقوق بین الملل می باشد.

واژگان کلیدی: حقوق بین الملل، حاکمیت قانون، ظرفیتها، رویکردها، سازمان ملل

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

ایمیل: s.jafari2017@yahoo.com

^۲ گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

ایمیل: masoudraei@yahoo.com

نظام بین‌الملل متشکل از بازیگران متنوعی است که بنابر ملاحظات مختلفی الگوی رفتاری خود را تعریف می‌کند. جز در رابطه با سازمان‌های بین‌المللی که الگوی رفتاری آنها بر اساس اهداف و وظایف از قبل تعریف شده آن‌ها جهت دهی می‌شود، الگوی رفتاری سایر بازیگران بر اساس کسب منافع می‌باشد. بدیهی است ساختار جامعه بین‌المللی ای که در آن هر بازیگری منافع فردی خود را تعقیب می‌کند، یک ساختار مبتنی بر بی‌نظمی و بی‌قانونی را تشکیل خواهد داد. بنابراین لازم است که رفتار بازیگران در جامعه بین‌المللی از یک الگوی رفتاری قابل قبول برخوردار باشد. لذا تحقق آن مستلزم سه امر است. محدود نمودن حدود اختیارات دولت‌ها، تدوین قواعد و مقرراتی که بازیگران بین‌المللی لازم است تا در سازماندهی سیاست‌های داخلی و خارجی خود از آن‌ها پیروی کنند و مسئولیت‌پذیری در قبال رفتارهای مخالف با نظم تعریف شده مذکور. تنظیم چنین الگوی رفتاری سازمان یافته ای در نهایت مستلزم برقراری اصل حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل خواهد بود.

عوامل مختلفی می‌توانند مشوق بازیگران بین‌المللی به سوی استقرار قانون یا تخطی از حرکت در این مسیر تکاملی باشند. اولین چالش پیش روی دولت‌ها تنوع و عدم همگونی میان این بازیگران است. امروزه نظم حاکم بر جامعه بین‌المللی را اجتماع دولت‌های منفرد تعیین نمی‌کند. از یک سو بازیگران تأثیرگذار دیگری همچون شرکت‌های فراملی، سازمان‌های غیر دولتی و... را می‌توان مشاهده کرد که به طور غیرمستقیم در شکل‌گیری این نظم تأثیرگذار هستند و از سوی دیگر نظم حاکم بر جامعه بین‌المللی از رهگذر مناسبات سازمان یافته‌تری ساختار بندی می‌شود که محصول ائتلاف میان دولت‌ها است. در واقع اتحادها مکانیزم مفیدی برای عدم اتحاد با رقبای دشمنان بالقوه هستند و همچنین می‌توانند ابزاری برای کنترل دولت‌هایی باشند که می‌خواهند بی‌طرف باقی بمانند و منافع خود را در مبارزه با قدرتی مغایر با خواسته‌ها و ترجیحات اتحادها به خدمت بگیرند.^۱

با گسترش ارتباطات میان دولت‌ها، شیوه‌های دستیابی به منافع تغییراتی داشته است و در این میان پیش‌بینی‌پذیری رفتارها و ترسیم یک نظام نظارتی که رفتارهای بازیگران را مورد تشویق یا تقبیح قرار می‌دهد در حال شکل‌گیری و تقویت است.^۲ جامعه بین‌المللی نیازمند یک نظم بین‌المللی مبتنی بر حاکمیت قانون است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی، در صدد بررسی این موضوع است که رویکرد جامعه بین‌المللی با توصیفات مذکور نسبت به استقرار حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل چگونه است و چه مؤلفه‌هایی از این نهاد و چگونه در حقوق بین‌الملل استقرار یافته‌اند. به عبارتی دیگر در سطح بین‌المللی وضعیت حاکمیت قانون چگونه است؟

^۱ - کلودزیچ، ادوارد، امنیت و روابط بین‌الملل، ترجمه: نادر پورآخوندی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰، ص ۷۹.

^۲ - Peter, j, Pham, «What Is in the National Interest? Hans Morgenthau's Realist vision And American Foreign Policy, American Foreign Policy Interests, Vol. ۳۰, ۲۰۰۸, PP. ۲۵۷-۲۵۸.

۱- مفهوم حاکمیت قانون

اصطلاح «حاکمیت قانون»^۳ از بسیاری از سنت ها و قاره ها ریشه گرفته و با تحول تاریخ در هم تنیده شده است. حاکمیت در اصطلاح لاتین به معنای «برتر» است. در برداشت سنتی از حاکمیت، بیشتر با قدرت مطلق و غیرمقید مرتبط است، اما در برداشت های غیرسنتی قیود و شرایطی آن را محدود می سازد. از نظر «ژان بُدن» حاکمیت «قدرت برتر بدون محدودیت قانونی دولت بر شهروندان و اتباع» است. گروسیوس نیز معتقد است «حاکمیت قدرت سیاسی برتری است» که به شخصی واگذار شده که اقداماتش تابع شخص دیگری نیست.^۴

از منظر تاریخی جایگاه کلاسیک ابداع عبارت حاکمیت قانون را می توان به «آلبرت ون دایسی»^۵ در اثر معروف «مقدمه ای بر مطالعات حقوق اساسی» نسبت داد.^۶ «ون دایسی» در خصوص ماهیت و مفهوم حاکمیت قانون معتقد است که حاکمیت قانون سه وجه دارد: نخست، به معنی برتری مطلق و منظم قانون در مخالفت با قدرت استبدادی است. دوم، برابری همه در مقابل قانون می باشد و سوم این که حاکمیت قانون در بردارنده حقوق اساسی افراد است.^۷ ولی ارائه مشهور از مفهوم حاکمیت قانون عبارت است از: مجموعه ای از دلایل و توجیهات برای اقدامات حکومتی که به عنوان هنجار در آن نظام حقوقی و سیاسی پذیرفته شده و مبنای مشروعیت آن اقدامات، اعم از قانونگذاری و اتخاذ تصمیمات اداری است.^۸ این اصل الهام بخش اصول و مفاهیم دیگری از قبیل قانون اساسی گرایی،^۹ قانونیت،^{۱۰} صلاحیت،^{۱۱} مسئولیت،^{۱۲} پاسخگویی،^{۱۳} کنترل قضایی^{۱۴} و تفکیک قوا^{۱۵} می شوند که به نوبه خود، بنیان حقوق اساسی را شکل می دهند.^{۱۶} حاکمیت قانون، تقسیم موزون و برابر آزادی ها میان اعضای جامعه است. این مفهوم امروزه به عنوان یکی از مفاهیم حقوق موضوعه درآمده است به طوری که در قوانین اساسی کشورهای چوین اسپانیا، آلمان، بلغارستان، پرتغال، چک، روسیه، رومانی و مجارستان آشکارا به آن تصریح شده است.^{۱۷} دبیرکل سازمان ملل متحد

^۳ - The Rule of Law

^۴ - رحمانی، شهرام و افشین جعفری، «تقابل یکجانبه گرایی و حاکمیت قانون در حقوق بین الملل؛ مطالعه موردی: تحریم های آمریکا علیه ایران»، پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، (۱۳۹۸)، شماره چهارم، ص ۵۶.

^۵ - Albert Van Dicey. (۱۸۳۲-۱۹۱۱)

^۶ - راعی، مسعود و عطریان، فرامرز، «حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، حکومت اسلامی، ۱۳۹۱، شماره ۳، ص ۱۲۴.

^۷ - Beaulac, stephane, The rule of law in international law today, <https://papyrus.bib.umontreal.ca/xmlui/bitstream/International-Rule-Law,2009,p p 197-222. 2012/4/17>

^۸ - مرکز مال میری، احمد، حاکمیت قانون (مفاهیم، مبانی، و برداشتها)، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۶۱.

^۹ - Constitutionalism

^{۱۰} - legality

^{۱۱} - jurisdiction

^{۱۲} - Responsibility

^{۱۳} - Accountability

^{۱۴} - judicial Review

^{۱۵} - separation of powers

^{۱۶} - اصلانی، فیروز و کاظمینی، محمدحسین، «مفهوم حاکمیت قانون و برداشت آن با تأکید بر قانون اساسی ج.ا.ا»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، ۱۳۹۰، شماره ۲۶، ص ۲۵۰.

^{۱۷} - فلسفی، هدایت الله، «صلح جاویدان و حکومت قانون»، نشر نو، ۱۳۷۵، ص ۳۹.

حاکمیت قانون را به عنوان یک اصل حاکمیت تعریف می‌کند که بر اساس آن «تمام افراد، مؤسسات و موجودیت‌ها، اعم از اینکه عمومی باشند یا خصوصی، و همین‌طور شامل خود دولت، در برابر قانونی که بطور عمومی صادر شده، به طور برابری لازم الاجرا شده و مستقلاً مورد داوری قرار گرفته است، و مطابق با هنجارها و استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی است، پاسخگو باشند. این مسئله همین‌طور اقداماتی برای تضمین پیروی از اصول ارجحیت قانون، برابری در مقابل قانون، پاسخگویی بر اساس قانون، انصاف در بکارگیری قانون، تفکیک قوا، مشارکت در تصمیم‌سازی، وضوح قانونی، اجتناب از خودسری و شفافیت‌های اجرایی و قانونی را نیز ضروری می‌داند».^{۱۸}

۲- ابعاد اصل حاکمیت قانون

اصل حاکمیت قانون در سطح داخلی و بین‌المللی به کار می‌رود. جامعه بین‌المللی متشکل از دولت‌های مستقلی است که هر یک در دو سطح داخلی و خارجی سیاست‌های از پیش تعیین شده‌ای را، سازمان‌دهی می‌کنند. بنابراین در سطح جامعه بین‌المللی از دو قلمرو داخلی و بین‌المللی می‌توان نام برد که تحت شمول اصل حاکمیت قانون قرار خواهند گرفت.

۲-۱- حاکمیت قانون در سطح داخلی

یکی از اندیشه‌های حاکم در حقوق اساسی مدون که تقریباً تمامی اندیشمندان حقوق و علوم سیاسی بر اصل وجود آن اجماع دارند اصل حاکمیت قانون است.^{۱۹} اولین حوزه استقرار اصل حاکمیت قانون، سطح داخلی است. در این سطح تمامی دولت‌ها باید اصل حاکمیت قانون را در سیاست‌های داخلی خود مستقر نمایند. در نظام حقوق داخلی تمامی ارگان‌های دولت باید صرفاً بر مبنای اقتدار و اختیاری که از سوی قانون دریافت‌اند، عمل کنند. در چنین نظامی لازم است سلسله مراتب قواعد حقوقی نیز مدنظر قرار گیرد تا هر قاعده از قاعده بالاتری پیروی نموده و بیم سوءاستفاده از قدرت و خودکامگی از بین برود. در این صورت ارکان اجرایی دولت نیز مکلف به تبعیت از قانون هستند و عملکرد آن‌ها توسط قواعد دیگری ارزیابی و نظارت می‌گردد. بنابراین می‌توان از حکمرانی برابر قواعد عام و تساوی همگان برابر قانون به عنوان ارکان حاکمیت قانون در حقوق داخلی نام برد. همچنین می‌توان شاخصه‌های زیر را برای اصل حاکمیت قانون در سطح داخلی نظر گرفت. اولویت قانون اساسی، تبعیت سازمان اداری و قضایی از قانون و حقوق، تفکیک قوا، امنیت حقوقی، مسئولیت دولت، تناسب.^{۲۰}

^{۱۸} - <https://www.un.org/ruleoflaw/the-rule-of-law-in-un-intergovernmental-work/۲۰۲۱/۰۴/۱۸>

^{۱۹} - مرکز مالگیری، همان، ص ۶.

^{۲۰} - فلسفی، همان، ۴۱.

۲-۲- حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی

حقوق بین‌الملل، حقوق جامعه بین‌المللی است.^{۲۱} (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۳) تلاش بر این است تا از طریق حقوق بین‌الملل، به منظور تضمین هماهنگی و حفظ ارزش‌ها و نهادهای جامعه بین‌المللی، رفتار دولت‌ها تحت قاعده درآید.^{۲۲} این همان حاکمیت قانون در روابط بین اعضای جامعه بین‌المللی است. تقویت حاکمیت قانون شامل احترام به هنجارهای حقوق بین‌الملل و حقوق بشر از قبیل منع توسل به زور، شناسایی مسئولیت اولیه دولت‌ها برای حمایت از اتباع خود در مقابل نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، پاکسازی قومی و جنایات جنگی می‌باشد. حاکمیت قانون عنصر اصلی دستورالعمل‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و حمایت از آن‌ها را تشکیل می‌دهد. در ماده (۶) پیمان اتحادیه اروپا اعلام گردیده است که این اتحادیه براساس اصل حاکمیت قانون که کلیه اعضا بر سر آن همدستانند، بنیاد گذاشته شده است.^{۲۳}

مجمع عمومی سازمان ملل متحد حاکمیت قانون را به متعلق به ارزش‌های جهانی می‌داند. به همین دلیل نیز درون نظام ملل متحد همکاری‌های بین‌المللی، رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، امنیت، عدالت و برابری در مقابل قانون از طریق ارگان‌های اصلی ملل متحد در سطح بین‌المللی مورد تشویق قرار گرفته است. البته در مقابل عده‌ای از اندیشمندان معتقدند که ادعای وجود اصل حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل به دلیل این که روابط سیاسی بین‌المللی ماهیتی خاص دارد و حاکمیت‌های مستقل و تمامیت خواه نیز اجازه تصویب قانون واحدی در جامعه بین‌المللی را نخواهند داد، نمی‌تواند صحیح باشد. از جمله می‌توان به «کاسکنیمی»^{۲۴} و «راز»^{۲۵} اشاره کرد.^{۲۶} در پاسخ باید گفت امروزه قانونمداری در عرصه بین‌المللی و حمایت از حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل از چهارچوب نظری داخلی فراتر رفته و جزئی از نظام بین‌المللی و در زمره حقوق بشر قرار گرفته است. هر چند حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل مطابق آن چه که در حقوق داخلی وجود دارد و با آن شاخصه‌های خاص از قبیل قانونگذاری متمرکز، پاسخگویی مشخص، مشارکت جدی و... شناخته می‌شود، تفاوت دارد ولی شواهد حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل نیز کم نیستند و همه آن‌ها گواه بر استقرار حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل می‌باشند که از آن جمله می‌توان به وجود ارکان قضایی بین‌المللی و صلاحیت کامل آن‌ها در رسیدگی به موضوعات حقوقی و جرائم بین‌المللی، تعهدات حقوق بشری دولت‌ها، قدرت الزام آور قطعنامه‌های سازمان ملل متحد از جمله شورای امنیت و... اشاره کرد. لذا

^{۲۱} - ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، گنج دانش، ۱۳۹۵، ص ۳.

^{۲۲} - کریستوفرسی، جویز، حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱، میزان، ۱۳۹۴، ص ۴۱۷.

^{۲۳} - فلسفی، همان، ۳۹.

^{۲۴} - Marti Koskeniemi

^{۲۵} - Joseph Raz

^{۲۶} - Nollkamper, A & wouters, j & Hachez, N. (۲۰۰۸). Accountability and the Rule of law at international level. the Amesterdam center for international law. ۲۰۰۸, <https://www.mzes.uni-mannheim.de/projekte/typo3/site/fileadmin/reports/report%۲۰of%۲۰Accountability%۲۰and%۲۰Rule%۲۰of%۲۰Law.pdf>, ۲۰۲۱/۱۱/۰۶

نمی‌توان ادعا کرد که حاکمیت‌قانون به مثابه آن چه که در حقوق داخلی وجود دارد در حقوق بین‌الملل نیز قابل اعمال باشد چرا که طبیعی است ماهیت دو نظام چقدر متفاوت می‌باشد. لیکن حاکمیت‌قانون در حقوق بین‌الملل نیز با شاخصه های خاص حقوق بین‌الملل قابل اجراست. به همین دلیل در سطح جامعه بین‌المللی، از بازیگران انتظار می‌رود تا رفتارهایی مطابق با این هنجارهای حقوق بین‌المللی و حقوق بشری را در پیش بگیرند.

۳- مبانی حقوقی حمایت از حاکمیت‌قانون در حقوق بین‌الملل

هر قاعده حقوقی که در نظام بین‌الملل مستقر می‌شود انتظار می‌رود در منابع حقوق بین‌الملل منعکس شود. حاکمیت‌قانون یک اصل ضروری در مناسبات بین‌المللی است، با این وجود هیچ معاهده بین‌المللی در این خصوص تدوین نشده است. این بدان معنا نیست که جامعه بین‌المللی هیچ اقدامی در راستای تحقق حاکمیت‌قانون به عمل نیاورده است. در چارچوب فعالیت های سازمان ملل متحد اسناد مختلفی را می‌توان مشاهده کرد که نشان دهنده تلاش‌هایی برای لزوم توجه به اصل حاکمیت‌قانون محسوب می‌شوند. از جمله این که سازمان، تقویت حاکمیت‌قانون و پیشبرد حکومت بین‌المللی قانون را به عنوان مهمترین هدف سازمان بعد از صلح و امنیت بین‌المللی معرفی نموده است.^{۲۷} در منشور، تلاش برای برقراری عدالت و احترام متقابل توسط دولت‌ها بر پایه هنجارهای عام و بین‌المللی که همه کشورها باید به آن پایبند باشند، هدف بسیار مهمی است. این هدف اخلاقی بیشتر از هر چیز دیگر تداعی‌کننده حاکمیت‌قانون در حقوق بین‌الملل خواهد بود. بنابراین سازمان ملل همان گونه که در بند (۱) ماده (۲) منشور به برابری دولت‌ها تأکید گردیده است در تلاش است حاکمیت‌قانون را با دقت کافی به نحو برابر استقرار و توسعه دهد.

۳-۱- رویکرد مجمع عمومی ملل متحد

یکی از تلاش‌های جامعه بین‌المللی در راستای تأکید بر لزوم حاکمیت‌قانون در حقوق بین‌الملل را می‌توان در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد مشاهده کرد. حاکمیت‌قانون برای اولین بار در کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۲۰۰۵، توسط مجمع عمومی مطرح شد. در سال ۲۰۰۵ اجلاس سران ملل متحد به اتفاق آراء بر تعهد خود نسبت به نظم بین‌المللی بر مبنای حاکمیت‌قانون تأکید نمود و از ملل متحد درخواست نمود تا توجه بیشتری را به این موضوع اختصاص دهد. متعاقب این اجلاس، کمیته سوم به بررسی حاکمیت‌قانون در اجرای عدالت، اقدام های فراقانونی، اجرای حقوق بشر در حین مبارزه با تروریسم و بازسازی نهادهای عدالت کیفری پرداختند. به طور مشابه

^{۲۷} -Corell, hons, developing The Rule of Law Among Nation. A challenge to the United Nations at the Invitation. By the United Nations Association of the United Kingdom. ۲۰۰۳. p

عنوان حاکمیت قانون در سطح ملی و بین المللی توسط کمیته ششم مجمع پیشنهاد شد که هر سال موضوع قطعنامه هایی از مجمع عمومی قرار گرفته است. در این قطعنامه ها که به همکاری های بین المللی و اولویت بخشی به حاکمیت قانون اشاره دارند می توان ابعاد حاکمیت قانون در سطح بین المللی را نیز مشاهده کرد. از جمله این موارد می توان به اهمیت ثبت و انتشار معاهدات بین المللی مطابق ماده (۱۰۲) منشور ملل متحد، توسعه و گسترش پایگاه اطلاعاتی معاهدات که دسترسی آنلاین بر اطلاعاتی جامع در این خصوص را فراهم می سازد، در راستای اصل شفاف سازی اشاره کرد.^{۲۸}

از دیگر موضوعاتی که در این قطعنامه ها به آن توجه شده است مسئله تقویت ظرفیت سازی برای توسعه، تقویت و حفظ نهادهای داخلی فعال در حوزه ترویج حاکمیت در سطح داخلی و بین المللی، تقویت همکاری بین المللی و انسجام میان ارکان ملل متحد، تأکید بر اهمیت اعتماد در حاکمیت قانون به عنوان عنصر اصلی عدالت فرادولتی می باشد.^{۲۹} علاوه بر آن در قطعنامه شماره ۷۵/۴۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر پیروی دولت ها از تعهداتشان بر اساس حقوق بین الملل و همکاری دولت ها در تقویت حاکمیت قانون و ارتقاء آن در سطح بین المللی مطابق با اصول منشور ملل متحد تأکید شده است.^{۳۰} مجمع عمومی در این قطعنامه همین طور به این مسئله تأکید دارد که معاهدات دو و چند جانبه و پردازش های معاهدات در پیشبرد حاکمیت قانون نقش دارند و از کشورها می خواهد تا ارتقای معاهدات در حوزه هایی که مستلزم همکاری بین المللی است را بیشتر مورد توجه قرار دهند.^{۳۱} علاوه بر این، مجمع عمومی سالانه قطعنامه های متعددی از جمله ۷۰/۳۹، ۶۲/۶۱، ۱۲۸/۶۳، ۱۱۶/۶۴، ۳۲/۶۵، ۱۰۲/۶۶، ۱/۶۷، ۹۷/۶۷، ۱۱۶/۶۸، ۱۲۳/۶۹، ۱۱۸/۷۰. را در راستای تقویت حاکمیت قانون در حقوق بین الملل صادر نموده است.^{۳۲}

۲-۳- رویکرد شورای امنیت

شورای امنیت اولین بار در قطعنامه شماره (۱۰۴۰) سال ۱۹۹۶ در رابطه با تلاش های دبیرکل برای استقرار مجدد دموکراسی و حاکمیت قانون در جمهوری «بروندی»^{۳۳} مفهوم حاکمیت قانون را مورد استفاده قرار داد.^{۳۴} شورا در این قطعنامه پشتیبانی کامل خود را از تلاش های دبیرکل برای تسهیل یک گفتمان سیاسی جامع با هدف ارتقای آشتی ملی، دموکراسی، امنیت و حاکمیت قانون را اعلام نمود.^{۳۵} چهار سال بعد با انتشار گزارش حفظ صلح، پارادایم

^{۲۸} - GA, Resolution Adopted by the General Assembly on ۱۴ December ۲۰۱۵, ۱۸ December ۲۰۱۵, undoc. A/RES/۷۰/۱۱۸, Para. ۸.

^{۲۹} - Ibid., Paras. ۱۲-۱۴ and ۱۷.

^{۳۰} - GA., The rule of law at the national and international levels Report of the Sixth Committee, A/۷۵/۴۳, ۲۰ November ۲۰۲۰, Paras. ۴-۵.

^{۳۱} - Ibid. para. ۷.

^{۳۲} - <https://www.un.org/ruleoflaw/the-rule-of-law-in-un-intergovernmental-work/۲۰۲۱/۱۱/۰۵>

^{۳۳} - Republic of Burundi

^{۳۴} - <https://www.un.org/ruleoflaw/۲۰۲۱/۱۰/۱۷>

^{۳۵} - SC, Resolution ۱۰۴۰, S/RES/۱۰۴۰ (۱۹۹۶) ۲۹ January ۱۹۹۶, Para. ۲.

جدیدی برای حفظ صلح و استقرار آن با تمرکز بر حاکمیت‌قانون ایجاد گردید. از سال ۲۰۰۳ فعالیت‌های مربوط به حاکمیت‌قانون با قطعنامه‌های موضوعی شورای امنیت عین شده است که منجر به صدور حکم برای دبیرکل مبنی بر گزارش دهی در مورد حاکمیت‌قانون و عدالت فراملی در مخاصمات و دوران پسا مخاصمه گردید. در نتیجه این اسناد، حاکمیت‌قانون غلبه یافته و تعریف آن توسط دبیرکل ملل متحد ایجاد گردید. شورا همچنین در قطعنامه‌های شماره ۱۶۷۴، ۱۶۱۲، ۱۳۵۲ و ۱۸۲۰ بر اهمیت حاکمیت‌قانون پرداخته است.^{۳۶}

حاکمیت‌قانون در چارچوب مقابله با تهدید علیه تروریسم نیز مورد توجه قرار گرفته است. شورای امنیت در قطعنامه شماره (۲۳۹۵) سال ۲۰۱۷ به استراتژی ضد تروریسم جهانی ملل متحد اشاره دارد که شامل نیاز به تقویت تلاش‌ها برای پیشگیری و حل و فصل صلح‌آمیز مخاصمات مسلحانه طولانی مدت، ترویج حاکمیت‌قانون، حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، بردباری و جامعیت در ارائه پیشنهادهایی برای عواملی می‌شود که زمینه ساز جذب نیروی تروریستی و رادیکالیسم منتهی به خشونت است. شورا در این قطعنامه تأیید می‌کند که ارتقاء و حمایت از حقوق بشر برای همه و حاکمیت‌قانون عناصر اساسی برای مبارزه با تروریسم هستند و احترام به حاکمیت‌قانون برای پیشگیری و مبارزه با تروریسم اهمیت دارد.^{۳۷} همچنین، شورای امنیت در قطعنامه شماره (۲۳۳۱) سال ۲۰۱۹ که به موضوع حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اختصاص یافته قاچاق انسان را تقبیح نموده و تأکید می‌کند که حاکمیت‌قانون را تضعیف می‌نماید.^{۳۸}

مباحث شورا در مورد ارتقاء و تقویت حاکمیت‌قانون در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی طی سال‌های گذشته و پیوند زدن نقش تقویت حاکمیت‌قانون با مبارزه با تهدید تروریسم در رویه شورای امنیت نشان از این دارد که رویکرد شورای امنیت به حاکمیت‌قانون در عین توجه و اهمیتی که برای آن قایل است، ضمن توجه به جنبه داخلی آن، در گستره جامعه بین‌المللی نیز پدیدار است.

۳-۳- رویکرد دبیرکل

دبیرکل اسبق «کوفی عنان» در سال ۲۰۰۴ در گزارش خود در مورد حاکمیت‌قانون و عدالت انتقالی، حاکمیت‌قانون را به عنوان یک اصل حکمرانی تعریف کرده است که در آن همه افراد، نهادها، نهادهای دولتی و خصوصی، از جمله دولت، در قبال قوانینی که به طور عمومی ابلاغ شده، به همان اندازه اجرا شده و مستقل مورد قضاوت قرار گرفته و با استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی مطابقت دارند، پاسخگو هستند. در سطح اجرایی، در سال ۲۰۰۵ بنا به درخواست کشورهای عضو، یک واحد اختصاصی کمک به حاکمیت‌قانون در دبیرخانه با هدف حمایت و

^{۳۶} - <https://www.un.org/ruleoflaw/the-rule-of-law-in-un-intergovernmental-work/۲۰۲۱/۱۰/۱۴>

^{۳۷} -SC, Resolution ۲۳۹۵, S/RES/۲۳۹۵ (۲۰۱۷), ۲۱ December ۲۰۱۷, PP.۱-۲.

^{۳۸} -SC, Resolution ۲۳۳۱, S/RES/۲۳۳۱ (۲۰۱۶), ۲۰ December ۲۰۱۶, Para. ۱.

هماهنگی فعالیت ها برای تقویت حاکمیت قانون ایجاد شد. در سال ۲۰۱۷، تعهد سازمان ملل متحد به حاکمیت قانون توسط دبیرکل جدید سازمان «آنتونیو گوترش»^{۳۹} تمدید شد. وی در بیانیه چشم انداز خود به ضرورت تشخیص اینکه چگونه بدون صلح، بدون توسعه، نه توسعه پایدار بدون صلح و نه صلح یا توسعه پایدار بدون احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون، پرداخته است.^{۴۰}

۳-۴- رویکرد شورای اقتصادی و اجتماعی

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (اکوسوک)^{۴۱} به عنوان مرجع وحدت بخش برای یکپارچگی و اقدام برای توسعه پایدار در سطوح منطقه ای و بین المللی، حاکمیت قانون را نه تنها به عنوان پایه و اساس یک جهان صلح آمیزتر و عادلانه تر به رسمیت شناخته است، بلکه ابزاری برای ایجاد جوامع امن می داند که هیچکس حاضر به نادیده انگاشتن آن نخواهد بود. در اعلامیه نشست سطح بالای حاکمیت قانون، توسط کشورهای عضو سهم مثبت شورا در تقویت حاکمیت قانون برای ریشه کنی فقر و افزایش ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه پایدار به رسمیت شناخته شد و در سال ۱۹۹۲، کمیسیون پیشگیری از وقوع جرم و عدالت کیفری که زیر نظر شورا به عنوان اصلی ترین سیاستگذار سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری فعالیت می کند، از نقش حاکمیت قانون در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری حمایت کرده است.^{۴۲}

۴- عناصر حاکمیت قانون

وجه مشترک رویکرد های ارکان سازمان ملل متحد نسبت به حاکمیت قانون این است که در هیچ یک از رویکرد ها به عناصر حاکمیت قانون پرداخته نشده است. بنابراین لازم است در بررسی حاکمیت قانون در حقوق بین الملل عناصر آن از قبیل قانونگذاری در نظام مبتنی بر حاکمیت قانون، پاسخگویی، شفافیت، مشارکت مردمی (دموکراسی) شناسایی گردد.

۴-۱- قانونگذاری در نظام مبتنی بر حاکمیت قانون

اولین رکن در حاکمیت قانون، وجود قانون است. در وهله نخست باید قوانینی وضع شود و سپس از آنها پیروی شود. این قوانین باید از نوع سخت و الزام آور (Hard Law) و همینطور هنجارهای مبتنی بر اخلاق (Soft Law)

^{۳۹} - Antonio Guterres

^{۴۰} - <https://www.un.org/ruleoflaw/the-rule-of-law-in-un-intergovernmental-work/2021/10/14>

^{۴۱} - United Nations Economic and Social Council. (ECOSOC)

^{۴۲} - <https://www.un.org/ruleoflaw/the-rule-of-law-in-un-intergovernmental-work/at 2021/4/17>

باشد. بنابراین گام نخست، شناخت شیوه قانونگذاری و خصوصیات قانون منطبق با اصول حاکمیت قانون است. قانون باید شفاف، عمومیت یافته و پایدار باشد و از حقوق بنیادینی همچون امنیت افراد و قراردادهای، اموال و حقوق بشر حمایت کند. از جمله خصایص قانون در ابعاد بین‌المللی می‌توان موارد زیر را برشمرد.

۴-۱-۱- شفافیت قوانین

شفافیت قوانین در حاکمیت قانون از دو بعد شفافیت در قانونگذاری و شفافیت در محتوای قوانین واجد اهمیت است. به عقیده برخی از اندیشمندان شفافیت به معنای قواعد، آیین‌ها و اطلاعات باز و قابل درک می‌باشد.^{۴۳} همین‌طور شفافیت به معنی تعهد دولت برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات با شهروندانی است که نیازمند تصمیم‌گیری آگاهانه هستند.^{۴۴} شفافیت از یک منظر شامل شفافیت در قوانین و مقررات، شفافیت در رویه‌ها و عملکردهای مقامات رسمی و شفافیت در اطلاعات مورد نیاز. از جنبه دیگر شفافیت هم به معنای عدم ابهام و هم به معنای قابلیت دسترسی به قوانین و مقررات می‌باشد. به عنوان مثال می‌توان به تمهیدات اتخاذ شده در چارچوب شورای اروپا اشاره کرد شفافیت یکی از عناصر مورد توجه می‌باشد.^{۴۵}

۴-۱-۲- احترام به حقوق بشر و تضمین رعایت آن

حقوق بشر یکی از دیگر جنبه‌های قانونگذاری است که در حاکمیت قانون باید مورد توجه قرار گیرد. به این معنی که اولاً در تدوین قوانین و مقررات آثار حقوق بشری آنها باید مدنظر قرار گیرد. ثانیاً احترام و تضمین حقوق بشر از طریق قانونگذاری انجام پذیرد؛ ثالثاً اینکه هرگونه محدودیت یا سلب حقوق بشر در قانون پیش‌بینی شود. اولین و مهمترین وظیفه دولت‌ها، فراهم نمودن شرایط قانونی و عملی اجرای تعهدات مندرج در معاهدات حقوق بشری است. این وظیفه در اصول راهنمای گزارش دهی به نهادهای نظارتی بر معاهدات حقوق بشری ملل متحد ذکر شده است.^{۴۶} تعهدات دولت‌ها بر اساس این کنوانسیون‌ها، نه تنها ایجاد زمینه‌های قانونی مناسب برای این تضمین برخوردار از این حقوق و آزادی‌هاست، بلکه اقشار جامعه حق دارند از وجود زمینه‌ها و بسترهای لازمی که برخوردار از این تمهیدات قانونی را عملی سازد نیز برخوردار گردند.^{۴۷} به عنوان مثال ماده ۲ میثاق حقوق مدنی سیاسی مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو این میثاق تعهد می‌کند که در سرزمین خود یا حیطة تحت صلاحیت خود... حقوق به رسمیت شناخته شده در میثاق حاضر را نسبت به تمام افراد مورد احترام قرار داده و تضمین نماید».

^{۴۳} - Johnston, Michael, Good governance: rule of law, transparency, and accountability, Department of Political Science, Colgate University, ۲۰۰۲, P. ۲.

^{۴۴} - <https://www.alec.org/model-policy/transparency-and-government-accountability-act/> ۲۰۲۱/۱۰/۱۴

^{۴۵} - <https://www.coe.int/en/web/portal/rule-of-law/> ۲۰۲۱/۱۱/۰۶

^{۴۶} - HRI: Harmonized Guidelines On Reporting Under The International Human Rights Treaties, Including Guidelines On A Core Document And Treaty-Specific Documents, Undoc No: HRI/GEN/۲/Rev.۱, ۱۰ May ۲۰۰۶, P. ۶, Para. ۲۵ .

^{۴۷} - CCPR: General Comment No. ۳: Implementation at the national level (Art. ۲), ۲۹ May ۱۹۸۱, Para. ۱

تعهد کلی که این ماده بر دولت‌ها بار می‌نماید احترام به حقوق مندرج در میثاق و تضمین آن‌ها برای تمام افراد است.^{۴۸} هر چند بند دوم ماده (۲) به دولت‌ها اجازه می‌دهد به حقوق مندرج در میثاق بر اساس فرآیند قانونگذاری خودشان ترتیب اثر دهند، همین اصل دولت‌ها را از توسل به مقرراتی در قانون اساسی و یا سایر حوزه‌هایی از حقوق داخلی که توجیه‌کننده نقض اجرا یا ترتیب اثر دادن به این تعهدات است، باز می‌دارد.^{۴۹} بنابراین در صورتی که قوانین اساسی یا قوانین داخلی کشورها به احترام و تضمین برخورداری افراد از حقوقشان خدشه‌ای وارد سازد، دولت‌ها موظف به لغو یا اصلاح آن مقررات هستند.

دولت‌ها موظفند موارد اعمال هرگونه محدودیت از برخورداری از حقوق و آزادی را در قوانین خود مشخص نمایند. وفق ماده (۲۱) میثاق حقوق مدنی و سیاسی، این محدودیت‌ها باید «مطابق با قانون» باشد. به عنوان نمونه ضرورت اطلاع‌رسانی به پلیس در رابطه با زمان و مکان برگزاری اجتماعات می‌تواند یکی از مصادیق پذیرفته شده براساس این فاکتور قلمداد شود.^{۵۰} بنابراین دولت‌ها می‌توانند در مواردی که ضرورت اطلاع‌رسانی را در قوانین خود پیش‌بینی نموده‌اند و تظاهرات بدون توجه به آن صورت گیرد محدودیت‌های متقاضی را به عمل آورند.

ضرورت قانونی بودن در محدودیت‌ها نیز به اشکال مختلفی در کنوانسیون‌های حقوق بشری مورد توجه بوده است. بند دوم ماده (۴) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در این خصوص مقرر می‌دارد: «در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، تنها در رابطه با مهمترین جرایم و به دنبال حکم نهایی صادره از دادگاه صالح و مطابق با قانون تشکیل‌دهنده آن مجازات که پیش از ارتکاب آن جرم تصویب شده است، قابل اعمال می‌باشد». در عین حال هرگونه محدودیت بر آزادی‌های شخصی نیز از همین رویه پیروی می‌کند.^{۵۱}

سلب حقوق بشر نیز باید از اصل قانونی بودن و ضرورت پیروی کند. وفق ماده (۱۵) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «در زمان جنگ یا سایر وضعیت‌های اضطراری تهدیدکننده حیات ملت، هر یک از کشورهای معظم متعهد می‌توانند اقدامات تعلیق‌کننده تعهدات خود بر اساس این کنوانسیون را تا جایی اتخاذ کنند که با توجه به وجود شرایط دقیقاً ضرورت دارد، مشروط بر اینکه آن اقدامات در تضاد با سایر تعهدات آن‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل نباشد». همین‌طور بر اساس ماده (۴) میثاق حقوق مدنی و سیاسی: «در هنگام وضعیت اضطراری که حیات ملت را تهدید می‌کند، کشورهای عضو، می‌توانند اقداماتی جهت تعلیق تعهداتشان در میثاق حاضر تا جایی که دقیقاً به وسیله مقتضیات آن وضعیت ضروری است را اتخاذ نمایند، مشروط بر اینکه چنین اقداماتی با سایر تعهدات آن‌ها براساس حقوق بین‌الملل مغایر نبوده و شامل تبعیض نباشد».^{۵۲}

^{۴۸} - CCPR: General Comment No. ۳۱: The Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant , UNDOC: CCPR/C/۳۱/Rev. ۱/Add. ۱۳, ۲۹ March ۲۰۰۴, P.۲, Para, ۳

^{۴۹} - Ibid., Para. ۴

^{۵۰} - Ibid., Para. ۹

^{۵۱} - Ibid

^{۵۲} - International Covenant on Civil and Political Rights ۱۹۶۶.

۴-۱-۳- اجتناب از خودسرانگی

یکی دیگر از خصوصیات اصل حاکمیت قانون اجتناب از خودسرانگی است. اجتناب از خودسرانگی نه تنها شامل اجتناب از اقدامات خودسرانه غیر قانونی می‌باشد، بلکه شامل اجتناب از قانونگذاری خودسرانه نیز می‌شود. معاهدات بین‌المللی برای اجتناب از خودسرانگی چندین راه کار را مورد استفاده قرار داده‌اند.

۴-۱-۳-۱- تصریح بر منع اقدام خودسرانه

دولت‌ها نمی‌توانند افراد را به طور خودسرانه از حقوق و آزادی‌ها محروم نمایند. این رویکرد در معاهدات بین‌المللی مختلف در رابطه با حق حیات مورد استفاده قرار گرفته و خودسرانگی^{۵۳} صراحتاً منع شده است. محدود کردن قدرت خودسرانه به مفهوم محدود کردن قدرت لجام گسیخته افرادی است که در جامعه صاحب قدرت هستند.^{۵۴}

بند نخست ماده (۶) میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: « همه موجودیت‌های انسانی حق ذاتی به حیات دارند. این حق باید توسط قانون مورد حمایت قرار گیرد. هیچ کس نباید به طور خودسرانه از این حق محروم شود». همین طور کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره (۳۵) مقرر می‌دارد: میثاق حقوق مدنی و سیاسی زمینه‌های قابل قبول برای محرومیت از حق حیات را بیان نکرده است و با الزامی نمودن اینکه محرومیت از حیات نباید خودسرانه باشد، به طور ضمنی اظهار می‌دارد که برخی از موارد محرومیت از حیات می‌توانند غیر خودسرانه باشند. به عنوان مثال استفاده از نیروی کشنده برای دفاع مشروع، تحت شرایط مندرج در بند (۱۲) این سند، محرومیت خودسرانه محسوب نمی‌شود.^{۵۵}

۴-۱-۳-۲- لزوم ضروری بودن اقدامات

برای اجتناب از اقدامات خودسرانه، ضروری بودن اقدامات بسیار مهم است. بند دوم ماده (۲) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۵۶} در رابطه با شرایط مشروعیت اقدام به محرومیت از حیات، مقرر می‌دارد: «محرومیت از حیات نباید به عنوان تعارضی با این ماده در نظر گرفته شود، هنگامی که در نتیجه استفاده از زوری باشد که بیش از ضرورت مطلق برای، دفاع از هر فردی در مقال خشونت غیر قانونی، بازداشت قانونی یا پیشگیری از فرار فردی که قانوناً

^{۵۳} - arbitrariness

^{۵۴} - حاجی‌زاده، محمود، نژندی منش، هیبت‌الله و زارعی، محمد حسین، « جایگاه حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل»، پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، ۱۳۹۶، شماره ۵۴، ص ۱۷۷.

^{۵۵} - CCPR, General comment No. ۳۶, CCPR/C/GC/۳۶, ۳ September ۲۰۱۹, Paras. ۱۰-۱۲.

^{۵۶} - European Convention on Human Rights as amended by Protocols Nos. ۱۱ and ۱۴ supplemented by Protocols Nos. ۱, ۴, ۶, ۷, ۱۲, ۱۳ and ۱۶, www.echr.coe.int/Documents/Convention_ENG.pdf. ۲۰۲۰/۷/۱۴

بازداشت شده، اقدامی که قانوناً با هدف پیشگیری از شورش و اغتشاش انجام شده است». بند نخست ماده (۶) این کنوانسیون امکان برگزاری غیر علنی محاکمه را از جمله در مواردی می پذیرد که «به عقیده دادگاه در شرایط خاص که علنی بودن به منافع عدالت صدمه می زند تا میزانی که دقیقاً ضروری است» اعمال نماید.

بند دوم ماده (۹) نیز بیان می دارد: «آزادی ابراز مذهب یا باور تنها باید موضوع محدودیت هایی قرار گیرد که توسط قانون توصیف شده و در یک جامعه دموکراتیک به نفع امنیت ملی، نظم عمومی و... ضروری است». همین عبارت پردازی در بند دوم ماده (۱۱) در رابطه با آزادی اجتماعات و تشکل ها نیز پیش بینی شده است. همان طور که ملاحظه می شود در تمام این موارد اعمال محدودیت نسبت به یکی از حقوق غیر مطلق بشری تنها در شرایطی قابل پذیرش است که امکان آن در قانون بیان شده باشد و اعمال آن نیز ضرورت داشته باشد.^{۵۷}

۴-۱-۳-۳- تعیین حاشیه صلاحیت تفسیری

اصطلاح حاشیه صلاحیت نخستین بار در گزارش سال ۱۹۵۸ کمیسیون حقوق بشر اروپا در دعوی قبرس علیه بریتانیا به کار رفت و پس از آن نیز در شمار فراوانی از گزارش های کمیسیون مذکور مورد استفاده قرار گرفت. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز برای اولین بار در قضیه ایرلند علیه بریتانیا به طور صریح به اصطلاح حاشیه صلاحیت اشاره کرد و اعلام داشت که مراجع دولتی دارای حاشیه صلاحیت وسیعی برای اتخاذ تصمیم، هم در خصوص وجود وضعیت اضطراری و هم در خصوص ماهیت و گستره تخطی های لازم از کنوانسیون برای جلوگیری از وضعیت مذکور هستند. دیوان در ابتدای امر، دکترین حاشیه صلاحیت را صرفاً در مورد ماده ۱۵ کنوانسیون که ناظر بر وضعیت های اضطراری است به کار برده است. متعاقباً استفاده از دکترین حاشیه صلاحیت به بسیاری از مواد کنوانسیون تسری داده شد. اولین قضیه ای که به حاشیه صلاحیت در خارج از موارد تخطی اختصاص دارد، شکایت از کار اجباری به استناد ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بود.^{۵۸}

حاشیه صلاحیت به این معناست که ضمن احترام به حق دولت ها برای تعیین حدود مواد معاهده، نمی توان به دولت ها اختیار مطلق داد و تشخیص آن ها را بی قید و شرط پذیرفت. زیرا این امر می تواند بنیان تعهدات قراردادی کنوانسیون را خدشه دار کند. رویه ای پذیرفته شده در حقوق بین الملل وجود دارد مبنی بر اینکه مقامات داخلی در موقعیت بهتری برای ارزیابی مشکلات ناشی از ایجاد و حفاظت از نظم نوین دموکراتیک قرار دارند و باید آزادی عمل کافی برای ارزیابی نیازهای جامعه در جهت ساخت اعتماد در نهادهای دموکراتیک باشند؛ مشروط بر اینکه دیوان معتقد به خودسری و عدم تناسب در این ارزیابی ها پیدا نباشد. (کریستوفرسن و مادسن، ۲۰۱۱، ۲۰۱۱)^{۵۹}

^{۵۷} - European Convention on Human Rights. (۱۹۵۳), Prepared on <https://www.echr.coe.2021/4/12>

^{۵۸} - عبدی، ایوب و سیدقاسم زمانی، «حاشیه صلاحیت دولتها در آزادی دین در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، ۱۳۹۵، شماره ۵۵، ص ۶۴.

^{۵۹} - Christoffersen, Jonas, Madsen. ۲۰۱۱.

دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده «سیلان علیه ترکیه» اظهار می‌دارد: «مرز حاشیه تفسیر بسته به برخی از فاکتورها، که در میان آن‌ها سخنرانی در مورد موضوعات خاص نیز وجود دارد، متفاوت است. در حالی که دامنه محدودی بر اساس ماده (۲) ۱۰ کنوانسیون برای محدودیت بر سخنرانی‌های سیاسی وجود دارد^{۶۰}، حاشیه تفسیر گسترده تری به طور معمول برای تنظیم حق آزادی بیان در رابطه با موضوعاتی همچون تخطی از باورهای شخصی در حوزه‌های اخلاق و به خصوص مذهب وجود دارد»^{۶۱}. در عین حال موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که دولت‌ها در اعمال محدودیت‌ها باید این موضوع را نیز در نظر داشته باشند که محدودیت‌ها اصول و قواعد اساسی مربوط به آزادی بیان را تحت تأثیر قرار ندهد.^{۶۲}

۴-۲- دموکراسی (مشارکت مردم)

حاکمیت قانون یکی از اصلی‌ترین ارزش‌های دموکراسی محسوب می‌شود. حاکمیت بهبود یافته نیازمند یک استراتژی یکپارچه و بلند مدت می‌باشد که با همکاری میان دولت و شهروندان ساماندهی می‌شود. تعامل در ایجاد دولتی که مشروع، مؤثر و مورد حمایت گسترده مردم و جامعه مدنی باشد و بتواند نقش مثبتی در سیاست‌ها ایفا کند، واجد اهمیت است.^{۶۳} بنابراین در یک جامعه مبتنی بر حاکمیت قانون مشارکت افراد در جامعه و همین‌طور تصمیم‌سازی‌ها نقش حائز اهمیتی دارد. برای مثال کمیته حقوق بشر در مورد کشور «کنگو» نسبت به مشارکت پایین زنان در حیات سیاسی اظهار نگرانی کرده و از این کشور می‌خواهد تا تمام اقدامات لازم را برای افزایش مشارکت زنان در حیات سیاسی، تقویت آموزش و آگاهی‌رسانی برای عموم و محو سنت‌های جنسیتی تضعیف‌کننده زنان نسبت به مردان و نقش و مسئولیت‌های زنان و مردان در خانواده و اجتماع را تقویت کند.^{۶۴}

کمیته حقوق بشر همین‌طور در رابطه با کشور «جمهوری دمینیکن»^{۶۵} اظهار می‌دارد: «ضمن توجه به تلاش‌های این کشور برای اثربخشیدن به اصل برابری میان زنان و مردان، در رابطه با مشارکت محدود زنان در حیات سیاسی اظهار نگرانی می‌کند. لذا از این کشور می‌خواهد تلاش‌های خود را برای افزایش مشارکت زنان در حیات عمومی و سیاسی و حضور آن‌ها در بخش‌های مدیریتی و ارشد را ارتقاء داده و در صورت لزوم به تدوین مقدمات ویژه موقت که اثر کامل بر مقررات پیمان نامه دارد، مباردت کند»^{۶۶}.

^{۶۰} - Ceylan v. Turkey [GC], no. ۲۳۵۵۶/۹۴, § ۳۴, ECHR ۱۹۹۹-IV

^{۶۱} - Murphy v. Ireland, no. ۴۴۱۷۹/۹۸, § ۶۷, ECHR ۲۰۰۳-IX, Para. ۶۷.

^{۶۲} - Directive ۲۰۰۰/۳۱/EC of the European Parliament and of the Council of ۸ June ۲۰۰۰ on certain legal aspects of information society services, in particular electronic commerce, in the Internal Market (Directive on electronic commerce), Para. ۹.

^{۶۳} - Johnston, Michael, Good governance: rule of law, transparency, and accountability, Department of Political Science, Colgate University, ۲۰۰۲, P. ۲.

^{۶۴} - CCPR: Concluding observations on the fourth periodic report of the Democratic Republic of the Congo, CCPR/C/COD/CO/۴, ۲۰ November ۲۰۱۷, Paras. ۱۵-۱۶.

^{۶۵} - Dominican Republic

^{۶۶} - CCPR: Concluding observations on the sixth periodic report of the Dominican Republic, CCPR/C/DOM/CO/۶, ۲۷ November ۲۰۱۷, Paras. ۱۱-۱۲.

رویکرد کمیته حقوق بشر بر این حقیقت استوار است که مشارکت در حیات اجتماعی جامعه در تمام سطوح نه تنها بخشی از اصل برابری و عدم تبعیض است، بلکه برای تحقق آن لازم است تا تدابیری برای تحقق کامل حقوق مندرج در پیمان نامه نیز فراهم شود. گام بلندتر کمیته حقوق بشر را می توان در رابطه با کشور های پاکستان و مغولستان^{۶۷} مشاهده کرد که از حق مشارکت در موضوعات عمومی^{۶۸} نام برده و اظهار می دارد: «ضمن توجه به تدوین سهمیه بندی برای زنان و اقلیت ها در پارلمان های ملی و ایالتی و سهمیه بندی برای اشخاص دارای ناتوانی در خدمات عمومی، کمیته در رابطه با اینکه سهمیه اقلیت ها تنها برای اقلیت های مذهبی پیش بینی شده اظهار نگرانی کرده و نبود اطلاعات کافی در مورد اجرای این سهمیه بندی را تقبیح می کند».^{۶۹}

بنابراین احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی و اصل حفظ انتخابات دوره ای و واقعی یک عنصر اساسی در دموکراسی است؛ زیرا آن ها تقسیم مناسب، سلامت، برابری و انصاف در رابطه با دسترسی به حقوق مدنی و سیاسی را تضمین می کنند. همین طور واحد دموکراسی و حاکمیت قانون به عنوان مرکز توجه کمیساریای حقوق بشر ملل متحد برای فعالیت های دموکراسی ایجاد شده است.^{۷۰}

۴-۳- پاسخگویی

پاسخگویی و مسئولیت در برابر قانون یکی از ویژگی های اصلی حاکمیت قانون است. یکی از آثار استقرار حاکمیت بین المللی قوانین، مسئولیت تابعان حقوق بین الملل در اجرای قواعد حقوق بین الملل و تقویت روحیه پاسخگویی در عرصه بین المللی است. (رحمانی و جعفری، ۱۳۹۸: ۵۵) پاسخگویی به این معناست که مقامات دولتی و شهروندان برای رفتار خود مسئول باشند. بنابراین وقتی که پایبندی به قانون وجود داشته باشد، می توان ادعا نمود که قانون بر همه امور حاکمیت دارد. در عمل دو نوع سازوکار پاسخگویی باید وجود داشته باشد. ۱- پاسخگویی افقی؛ ۲- پاسخگویی عمودی. منظور از سازوکارهای پاسخگویی افقی وجود نهادهای حقوقی و قضایی است که بازیگران عمومی و شهروندان باید در خصوص اعمالشان نسبت به آن ها پاسخگو باشند. پاسخگویی عمودی به نقش شهروندان در پاسخگو کردن و کنترل مقامات و نهاد های دولتی از طریق رسانه ها یا جامعه مدنی، رایزنی کردن، نظارت و گزارش دهی می پردازد.^{۷۱}

هر چند تعهد به احترام دولت ها را از اتخاذ اقدامات قانونی و عملی که منجر به نقض حقوق و آزادی های افراد می شود باز داشته، بیشتر ناظر بر تعهدات منفی دولت ها است؛ تعهد به تضمین دامنه ای گسترده تر از الزامات را مورد توجه قرار داده است. تعهدات مثبت دولت ها به تضمین حقوق مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی تنها

^{۶۷} - CCPR: Concluding observations on the sixth periodic report of Mongolia, CCPR/C/MNG/CO/6, 22 August 2017, Paras. 29-40.

^{۶۸} - Right to participate in public affairs

^{۶۹} - CCPR: Concluding observations on the initial report of Pakistan, CCPR/C/PAK/CO/1, 23 August 2017, Paras. 47-48.

^{۷۰} - OHCHR: Rule of Law - Democracy and Human Rights, http://www2.ohchr.org/english/issues/rule_of_law/democracy/

^{۷۱} - شجاعیان، خدیجه، «مؤلفه های اصل حاکمیت قانون در پرتو تعریف سازمان ملل متحد»، جستارهای حقوق عمومی، شماره ۳، ۱۳۹۶، ص ۷۵.

زمانی به طور کامل انجام می‌شود که افراد توسط دولت‌ها تنها در مقابل نقض حقوق شان توسط نمایندگان دولت حمایت شوند، بلکه در مقابل اعمال ارتكابی توسط سایر موجودیت‌های خصوصی که ممکن است صدمه‌ای به بهره‌مندی این حقوق بزنند، نیز حمایت شوند. ممکن است شرایطی پیش آید که دولت‌ها به واسطه قصور اعطای مجوز، یا قصور در اتخاذ اقدامات مناسب، یا اعمال مراقبت کافی برای پیشگیری، مجازات، تحقیق یا جبران خسارت صدمات ناشی از اعمال اشخاص خصوصی، متهم به نقض میثاق شوند.^{۷۲} بنابراین اگر پاسخگویی را به عنوان یکی از ارکان حاکمیت قانون در نظر بگیریم برای آن دو قالب می‌توان متصور بود. نخست پاسخگویی نهادهای قانونگذاری، اجرایی و قضایی جامعه بین‌المللی و دوم پاسخگویی اعضای جامعه بین‌الملل برای نقض اصول حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل می‌باشد. حتی کمیساریای عالی حقوق بشر برای حمایت و توانمندی از مردم برای تحقق حقوق آن‌ها معتقد است مهمترین مسئله پاسخگویی و مسئولیت پذیری می‌باشد. دولت‌ها باید با پذیرش مسئولیت خود، از اعمال بی‌کیفری اجتناب ورزند و پاسخگو باشند.

۵- نتیجه گیری

حاکمیت قانون را می‌توان یکی از چالش برانگیزترین مباحث حقوق بین‌الملل دانست. جامعه بین‌المللی در عین توجه به ضرورت احترام به حاکمیت قانون، واکنش مشابهی را نسبت به حاکمیت قانون در سطح ملی و بین‌المللی از خود نشان نداده است. این بدان علت است که مؤلفه‌های قدرت نقش غیر قابل انکاری در شکل‌گیری و محتوای قواعد و مقررات بین‌الملل به عنوان اولین شاخصه این اصل دارند. این مسئله در مورد حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل نیز صادق است. هنگامی که از حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل صحبت می‌شود، دو سطح از حاکمیت قانون قابل تصور است. در سطح نخست می‌توان به حاکمیت قانون در امور داخلی دولت‌ها اشاره کرد. این سطح از حاکمیت قانون در واقع بر این امر متمرکز است که دولت‌ها باید جامعه را مطابق قانون اداره نمایند. در سطح دوم، حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل موضوعیت پیدا می‌کند. این مفهوم کلیدی برای ممانعت از خودکامگی و اعمال قدرت خودسرانه از زوایای مختلف به عنوان ارزش مورد تحلیل قرار گرفته و از سوی دیگر توجه به آن یکی از عناصر اساسی حکمرانی مطلوب شمرده شده می‌شود.

با وجود تلاش‌های زیاد، حقوق بین‌الملل الزام آور همچنان دارای خلاءهای زیادی برای استقرار حاکمیت قانون به عنوان یکی از الزامات زیست بین‌المللی است. قطعه‌نامه‌های متعدد ارکان سازمان ملل متحد در خصوص اصل حاکمیت قانون به خوبی گویای این مطلب می‌باشند که بدون در نظر گرفتن حاکمیت قانون در نظام

^{۷۲} - OHCHR: Rule of Law - Democracy and Human Rights, http://www.ohchr.org/english/issues/rule_of_law/democracy/, Para.۸.

بین‌المللی نمی‌توان جهانی به دور از مناقشات و با صلحی پایدار را در نظر گرفت. حکومت قانون یک بنیاد ضروری و حتمی برای داشتن دنیایی مسالمت آمیز و عادلانه تر شناخته شده و تقویت حاکمیت قانون برای توسعه در سطح ملی و بین‌المللی حائز اهمیت بسیاری است و ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی جز با اعمال آن امکان پذیر نیست. با این تفاسیر برای جلوگیری از هرگونه اعمالی که مغایر با اهداف و اصول منشور سازمان ملل متحد می باشد برقراری حاکمیت قانون در اولویت قرار می گیرد.

می‌توان از حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل دفاع کرد چرا که حاکمیت قانون با خودسری از طرف تابعان حقوق بین‌الملل سازگار نیست و ریشه این موضوع در اصل لزوم وفای به عهد نهفته است. حمایت های بین‌المللی از حقوق بشر و ایجاد نهادهایی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد با هدف نظارت و پاسداشت صلح و امنیت بین‌المللی و نهادهای تجاری بین‌المللی گواه بر این مدعا هستند. البته نباید غافل شد که فقدان یک قانون واحد در عرصه بین‌المللی، مشابه آن چه در عرصه داخلی وجود دارد، همچنین نبود قوانین کلی و لازم الاجرا که از سوء استفاده دولت‌ها از قدرت و اختیارات خود به بهانه منافع ملی یا حقوق بشر جلوگیری نماید، چالش های مهمی هستند که حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل با آن روبرو است. ولی حقیقت این است که حقوق بین‌الملل زنده و امید که در آینده نزدیک این وضعیت به نفع حاکمیت قانون بهبود یابد.

فهرست منابع

الف: فارسی

— کتاب:

- ۱- دولت‌شاه، حجت، «منشور سازمان ملل متحد»، تهران، مجلد. ۱۳۹۲
- ۲- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، «حقوق بین‌الملل عمومی»، تهران، گنج دانش. ۱۳۹۵
- ۳- فلسفی، هدایت‌الله، «صلح جاویدان و حکومت قانون»، تهران، نشر نو. ۱۳۷۵
- ۴- کریستوفرسی، جوینر، «حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱»، تهران، میزان. ۱۳۹۴
- ۵- کلودزیچ، ادوارد، «امنیت و روابط بین‌الملل»، ترجمه: نادر پوراخوندی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی. ۱۳۹۰
- ۶- مرکز مال‌میری، احمد، «حاکمیت قانون (مفاهیم، مبانی، و برداشتها)»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۴

مقالات:

- ۷- اصلانی، فیروز و کاظمینی، محمدحسین، «مفهوم حاکمیت قانون و برداشت آن با تأکید بر قانون اساسی ج.ا.ا»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۶. ۱۳۹۰

- ۸- حاجی زاده، محمود، نژندی منش، هیبت الله و زارعی، محمد حسین، « جایگاه حاکمیت قانون در حقوق بین الملل»، پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۸، شماره ۵۴، ۱۳۹۶
- ۹- راعی، مسعود و عطریان، فرامرز، «حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، حکومت اسلامی، شماره ۶۳، ۱۳۹۱
- ۱۰- رحمانی، شهرام و افشین جعفری، «تقابل یکجانبه‌گرایی و حاکمیت قانون در حقوق بین الملل؛ مطالعه موردی: تحریم های آمریکا علیه ایران»، پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره چهارم، ۱۳۹۸
- ۱۱- شجاعیان، خدیجه، «مؤلفه‌های اصل حاکمیت قانون در پرتو تعریف سازمان ملل متحد»، جستارهای حقوق عمومی، شماره ۳، ۱۳۹۶
- ۱۲- عبدی، ایوب و سیدقاسم زمانی، «حاشیه صلاح‌دید دولتها در آزادی دین در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۵، سال نوزدهم، ۱۳۹۵

لاتین:

-Article

- Beulac, stephane .(۲۰۰۹).The rule of law in international law today,
<https://papyrus.bib.umontreal.ca/xmlui/bitstream/International-Rule-Law. pp ۱۹۷-۲۲۳>.
- Corell,hons(۲۰۰۳).devoloping The Rule of Law Among Nation.Achallenge to the United Nations at the Invitation. By the United Nations Association of the United Kingdom.
- Nollkamper.A & wouters .j & Hachez.N.(۲۰۰۸). Accountability and the Rule of law at international level .the Amsterdam center for international law.
- Pham,J.Peter,What Is in the National Interest? Hans Morgabthau s Realist vision And American Foreign Policy,American Foreign Policy Interests,Vol.۳۰،۲۰۰۸,PP.۲۵۷-۲۵۸
- Johnston,Michael,Good governance:rule of law,transparency, and accountability,Department of Political Science,Colgate University,۲۰۰۲,P.۲.
- Chistoffersen,Jonas,Madsen,Mikael Rask,The European Court Of Human Rights Between Law And Politics,Oxford University Press,۲۰۱۱,P.۲۰۱.

Documents:

- GA,Resolution adopted by the General Assembly on ۱۴ December ۲۰۱۵,۱۸ December ۲۰۱۵,UNDoc. A/RES/۷۰/۱۱۸, Para.۸.
- GA.,The rule of law at the national and international levels Report of the Sixth Committee,A/۷۵/۴۳, ۲۰November۲۰۲۰,Paras.۴-۵.
- SC,Resolution ۲۱۴۳,S/RES/۲۱۴۳(۲۰۱۴),۷ March ۲۰۱۴, P.۲. and Resolution ۲۴۲۷,S/RES/۲۴۲۷(۲۰۱۸), ۹July۲۰۱۸,P.۲.
- SC,Resolution ۲۳۹۵,S/RES/۲۳۹۵(۲۰۱۷),۲۱ December۲۰۱۷,PP.۱-۲.
- SC,Resolution ۲۳۳۱,S/RES/۲۳۳۱(۲۰۱۶),۲۰ December۲۰۱۶,Para.۱.
- Hri:Harmonized Guidelines On Reporting Under The International Human Rights Treaties,Including Guidelines On A Core Document,Undoc No: Hri/Gen/۲/Rev.۶.۱۰May ۲۰۰۶,P۶,Para.۲۵
- CCPR:General Comment No.۳:Implementation at the national level (Art.۲),۲۹ May ۱۹۸۱ CCPR: General Comment No. ۳۱:The Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant ,UNDOC: CCPR/C/۲۱/Rev.۱/Add.۱۳,۲۹ March ۲۰۰۴.
- American Convention On Human Rights,(Adopted at the Inter-American Specialized Conference on Human Rights ,San José,Costa Rica, ۲۲ November ۱۹۶۹)
- CPR:Concluding observations on the second periodic report of Bosnia and Herzegovina,adopted by the Committee at its ۱۰۶th session, UNDOC: CCPR/C/BIH/CO/۲.۱۳ November ۲۰۱۲,Para.۱۹.
- CCPR,General comment No.۳۶,CCPR/C/GC/۳۶, ۳ September ۲۰۱۹, Paras.۱۰-۱۲.
- European Convention on Human Rights as amended by Protocols Nos.۱۱ and ۱۴ supplemented by Protocols Nos.۱, ۴,۶,۷,۱۲,۱۳ and ۱۶
- Ceylan v.Turkey [GC], no.۲۳۵۵۶/۹۴, § ۳۴, ECHR ۱۹۹۹-IV
- CCPR:Concluding observations on the fourth periodic report of the Democratic Republic of the Congo, CCPR/C/COD/CO/۴.۳۰ November ۲۰۱۷,Paras.۱۵-۱۶.
- CCPR:Concluding observations on the sixth periodic report of the Dominican Republic, CCPR/C/DOM /CO/۶, ۲۷ November ۲۰۱۷, Paras.۱۱-۱۲.
- CCPR:Concluding observations on the second periodic report of Honduras,CCPR/C/HND/CO/۲.۲۲ August۲۰۱۷,Paras.۱۲-۱۳.

-CCPR:Concluding observations on the sixth periodic report of Mongolia,CCPR/C/MNG/CO/۶,۲۲ August ۲۰۱۷,Paras.۳۹-۴۰.

-CCPR:Concluding observations on the initial report of Pakistan,CCPR/C/PAK/CO/۱,۲۳ August ۲۰۱۷, Paras.۴۷-۴۸.

-OHCHR:Rule of Law -Democracy and Human Rights,
<http://www۲.ohchr.org/english/issue>.

European Convention on Human Rights.(۱۹۵۳),Prepared on
<https://www.echr.coe.۲۰۲۱/۸/۱۲>

Sits:

<https://www.un.org/ruleoflaw/what-is-the-rule-of-law/>

<https://www.alec.org/model-policy/transparency-and-government-accountability-act/>

<https://www.britannica.com/topic/rule-of-law> /Naomi Choi, Rule of law

<https://plato.stanford.edu/entries/rule-of-law/>

https://www.echr.coe.int/Documents/Convention_ENG.